

## ریاستیزی در اشعار امام خمینی(ره)

□ حجت الاسلام و المسلمین محمد فاکر میبیدی \*

### چکیده

در این مقاله، پس از مقدمه و بیان معنای لغوی و اصطلاحی ریا، آمده است که در بینش امام، ریا نشان دادن اعمال حسنه به مردم و وانمود کردن خصال پسندیده یا عقاید حقه برای آنان برای ایجاد منزلت خود در قلوب آنهاست. در دیدگاه امام، سمعه از شجره خبیثه ریاست. پس از آن منشأ ریا و حقیقت ریا و تزویر زنجیرگونه آن و راهکار رهایی از ریا مورد توجه قرار می‌گیرد. نویسنده در ادامه مقاله به ملاک ریاکارانه بودن عمل و نیز به گستره ریا و قلمرو آن اشاره می‌کند و آن را در حوزه عقیده، عمل، اخلاق و اوصاف پسندیده می‌داند.

در بخش دیگری از مقاله این مهم مورد توجه قرار می‌گیرد که در نگاه امام خمینی(ره) ریا به عنوان بیماری مهلک اخلاقی قلمداد می‌شود و آن را دارای آثار سوء دنیوی و عواقب بد اخروی می‌دانند. سپس به ابزار پیکار با ریا اشاره می‌شود. در پایان ایشان نیز اثرات این پیکار و ضرورت وجود مرشدی آگاه در این مسیر پر پیچ و خم یادآوری می‌شود.

کلیدواژه‌ها: امام، اخلاق، ریا، سمعه و تزویر.

\* . عضو هیأت علمی و مدیر گروه علوم قرآن و حدیث مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی.

بی‌شک یکی از مهلکات نفس و بدترین رذیله اخلاقی ریا و تزویر است که موجب نابودی دنیا و آخرت انسان می‌شود. از این رو، پیامبر عظیم‌الشان اسلام (ص) و امامان معصوم (ع) در کلمات نورانی خود این مهم را گوشزد نموده‌اند و بزرگان علمای اخلاق و عرفان نیز بر پیکار با آن تأکید وافر داشته‌اند. امام خمینی نیز به عنوان یک عارف کامل، عالم عامل، و سالک واصل و متخلق به اخلاق الله، در گفتار و نوشتار خود مبارزه با این رذیله ویرانگر و عمل‌سوز را هدف مجاهدتهای تهذیبی خود قرار داده و به شاگردان مکتب اخلاقی خود مکرر هشدار داده‌اند. از جمله موارد اهتمام به آن مهم، اشعار آن امام بزرگوار است که مملو از پند و نصایح انسان‌ساز است.

### ۱. معنای ریا و تزویر

ریا در لغت از ریشه «رای» به معنای در منظر و دید قرار دادن است. چنان‌که سَمعه نیز به گوش دیگران رساندن است (ابن منظور ۱۴۲۶: رأی و سمع). در اصطلاح عرفانی به معنای این است که در انجام اعمال و عبادات ظاهری و باطنی، نظر به خلق داشته باشد (امام خمینی ۱۳۸۵: ۳۳۴). بنا بر این، ریا این است که انسان عمل خود را در معرض دید دیگران قرار دهد و سمعه آن است که آن‌را به گوش افراد برساند که مردم ببینند و بدانند ما چنین و چنان کرده‌ایم! حضرت امام (ره) در تعریف ریا می‌نویسند: ریا عبارت از نشان دادن و وانمود کردن چیزی از اعمال حسنه یا خصلت پسندیده یا عقاید حقه است به مردم، برای منزلت پیدا کردن در قلوب آنها و اشتها پیدا کردن پیش آنها به خوبی و صحت و امانت و دیانت بدون قصد صحیح الهی (امام خمینی ۱۳۷۶: ۳۵). ایشان درباره سمعه می‌نویسند: سمعه از شجره خبیثه ریاست (امام خمینی ۱۳۷۶: ۵۸). در واقع سمعه شاخه‌ای از ریاست.

تزویر از جمله واژگانی است که در زبان عربی و فارسی دو معنای متفاوت از هم دارد. تزویر در زبان عربی به معنای پرشدن چینه‌دان پرنده، تکریم زائر به وسیله مزور، و نیز آماده شدن برای سخنرانی است (ابن منظور ۱۴۲۶: زور). اما در فارسی به معنای دروغ‌پردازی، دروغ‌آراستن، مکر کردن، فریب دادن و دورویی است (معین ۱۳۶۳: ۱۰۷/۱).

بر پایه آنچه از روایات حاصل می‌شود، ریا در واقع نوعی شرک است؛ چنان‌که امام صادق(ع) فرمود: «كُلُّ رِيَاءٍ شِرْكٌ؛ هر ریایی شرک است» (کلینی ۱۳۶۵: ۲/۲۹۳). در این امر تفاوت نمی‌کند که درصد سهم شرکا کم باشد یا زیاد؛ چنان‌که امام باقر(ع) فرمود: «لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَمِلَ عَمَلًا يَطْلُبُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ وَالِدَارَ الْآخِرَةَ وَادْخَلَ فِيهِ رِضَى أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ كَانَ مُشْرِكًا؛ هرگاه بنده‌ای عملی را برای خدا و اجر اخروی انجام دهد و رضایت مردم را نیز در آن دخالت دهد، مشرک است» (حرعاملی ۱۴۰۹: ۷۰/۱). به خوبی ملاحظه می‌شود که این‌گونه نیست که ارزش فعل در عمل ریایی به ازای سهام شرکا توزیع شود، بلکه همین که ریا به عملی راه یافت، از ارزش می‌افتد و خداوند هیچ عهدی بر پاداش آن ندارد؛ لذا امام صادق(ع) در ادامه روایت قبلی می‌فرماید: «إِنَّهُ مَنْ عَمِلَ لِلنَّاسِ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى النَّاسِ وَ مَنْ عَمِلَ لِلَّهِ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى اللَّهِ؛ هرکس برای مردم [عملی] انجام دهد، مزدش بر عهده مردم است، و هر کس برای خدا عمل کند، پاداشش بر عهده خداست.» امام باقر(ع) در ادامه روایت بعدی فرمود: «قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: مَنْ عَمِلَ لِي وَ لِقَبْرِي فَهُوَ لِمَنْ عَمِلَ لَهُ؛ هرکس عملی برای من و غیر من انجام دهد، این عمل برای آن کسی است که آن را برایش انجام داده است.» در روایت نبوی آمده است که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَقْبَلُ عَمَلًا فِيهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ رِيَاءٍ؛ خداوند تعالی عملی را که ذره‌ای از ریا در آن باشد قبول نمی‌کند» (توری ۱۴۰۸: ۱/۱۱۱).

## ۲. منشأ ریا

بی‌تردید هر یک از ردائیل اخلاقی و از جمله ریا منشأی دارد. امام خمینی در غزلی با عنوان «مستی عاشق» (امام خمینی ۱۳۸۵: ۶۷) منشأ رذیلت ریا را جهل و خود انسان می‌داند و می‌گوید:

بگذر از خویش اگر عاشق و دل‌باخته‌ای

که میان تو و او جز تو کسی حائل نیست

رهرو عشقی اگر خرقه و سجاده فکن

که بجز عشق تو را رهرو این منزل نیست

دست من گیر و از این خرقه سالوس رهان

که در این خرقه بجز جایگه جاهل نیست

اگر کسی واقعاً خداجو و عاشق حق باشد و جز محبوب حقیقی هیچ کس را نخواهد، طبعاً تمامی اعمال، حرکات و سکناش نیز برای خدا انجام می‌دهد و مرگ و زندگی‌اش نیز برای خداست. چنان‌که قرآن می‌فرماید: «قُلْ إِنْ ضَلَّيْتُ وَنَسِيْتُ وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ وَ بِذَلِكَ أُمِرْتُ وَ أَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ» (انعام: ۱۶۲-۱۶۳)؛ بگو: در حقیقت، نماز من و [سایر] عبادات من و زندگی و مرگ من، برای خدا، پروردگار جهانیان است [که] او را شریکی نیست، و بر این [کار] دستور یافته‌ام، و من نخستین مسلمانم.» و این نیست مگر اینکه پیامبر(ص) از صمیم جان عقیده دارد که غیر خدا شایسته دل بستگی نیست: «قُلْ أَغْيِرَ اللَّهُ أُنْبِيَّ رَبًّا وَ هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ» (انعام: ۱۶۴)؛ بگو: آیا جز خدا پروردگاری بجویم؟ با اینکه او پروردگار هر چیزی است.»

امام در بیت دوم راهکار رهایی از ریا را نیز بیان نموده است و می‌گوید: باید خرقه و سجاده که ابزار ریاست به دور افکنده شود؛ زیرا اینها نمی‌توانند برای انسان سالک چاره‌ساز باشند. تنها عشق یعنی دوستی حق است که می‌تواند انسان را به سر منزل مقصود برساند. عاشق هم که در کلام امام آمده است، کسی است که جز محبوب حقیقی یعنی خدا کس دیگری را طلب نمی‌کند (سجادی ۱۳۶۶: ۱۲۲۴/۲؛ امام خمینی ۱۳۸۵: ۳۳۸). انسان عاشق باید به دنبال معشوق باشد و اگر در پی خود باشد، در حقیقت خود حائل بین خود و خدای خود شده است. و این همان دشمن حقیقی است که فرمود: «أَعْدَى عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنَبَيْكَ؛ بزرگ‌ترین دشمن تو همان نفسی است که در درون خود توست» (مجلسی ۱۴۰۴: ۱۴/۶۷). این دشمن رهن مسیر را از سمت خدا به سوی خویش منحرف می‌کند.

نکته‌ای که در بیت اخیر آمده، اشارتی است به اینکه در مسیر ریازدایی، دست‌گیری مرشدی کامل و عالمی عامل لازم است و گرنه موفقیتی حاصل نمی‌شود. سالوس به معنای چرب‌زبان، متملق و فریبنده است (معین ۱۳۶۳: ۱۸۰۷/۲). خرقه نیز در اینجا به معنای لباس مخصوصی است که برخی آن را بر تن می‌کنند و ساده‌لوحان را می‌فریبند. در حقیقت پوشندگان این لباس مریدان خود را فریب می‌دهند و کسی که چنین کند، حقیقتاً در زمره جاهلان است.

### ۳. حقیقت تزویر و ریا

امام در اشعار خود به حقیقت ریا اشارت نموده و آن را به سان زنجیری دانسته که به پای عامل بسته است و نمی‌گذارد گام از گام بردارد. امام خمینی در غزلی با عنوان «خرقه تزویر» (امام خمینی ۱۳۸۵: ۷۴) می‌گوید:

مائیم و یکی خرقة تزویر و دگر هیچ  
در دام ریا بسته به زنجیر و دگر هیچ  
خود بینی و خودخواهی و خودکامگی نفس  
جان را چو روان کرده زمینگیر و دگر هیچ

«ریا» در اصطلاح عرفانی به معنای این است که در انجام اعمال و عبادات ظاهری و باطنی، نظر به خلق داشته باشد. و مقصود از «جان»، روح انسانی، نفس رحمانی و تجلیات حق است (امام خمینی ۱۳۸۵: ۳۳۴ و ۳۲۷). برخی دیگر نیز آورده‌اند: «إن المرأی عمل لیری، و المخلص یعمل لیصل؛ ریا برای دیگرنمایی عمل می‌کند و مخلص برای رسیدن به مقصود» (سجادی ۱۳۶۶: ۹۲۳/۲). انسانی که باید به سوی آسمان معرفت پرواز کند و در قرب الهی و «قاب قوسین» مقام بگیرد، با ریا در دام خودبینی، خودخواهی و خودکامگی از یک سو و دیگرنمایی از سوی دیگر گرفتار شده است. کسی که نتواند به جای خودخواهی و خودبینی، خداخواهی را مطمح نظر خود قرار دهد، به مرده‌دلی دچار شده و در نتیجه از فهم حقایق باز مانده است؛ و همانند پرنده‌ای گرفتار در دام است که توانایی پرواز ندارد.

### ۴. ادعای دروغین اخلاص

یکی از مهالک نفس، خودفربیی است. ممکن است انسانی در ظاهر ادعایی داشته باشد که در باطن واقعیت ندارد؛ از جمله اینکه به ظاهر ادعای زهد و اخلاص داشته باشد، لیکن در باطن دچار ریاکاری باشد، یعنی در خود زهد و اخلاص نیز ریاکار باشد. امام خمینی (ره) در غزلی با عنوان «دعوی اخلاص» (امام خمینی ۱۳۸۵: ۹۴) می‌گوید:

زهد مفروش ای قلندر آبروی خود سرریز  
زاهد ار هستی تو پس اقبال بر دنیا چه شد  
این عبادتهاکه ما کردیم خویش کاسبی است  
دعوی اخلاص با این خودپرستی‌ها چه شد

مراد از «زهد» مثبت، ترک نعمت دنیا و آخرت و بی رغبتی به آن است (سجادی: ۱۳۶۶: ۹۶۷/۲). چنان‌که در روایتی از امام سجاد(ع) نیز می‌خوانیم که درباره حقیقت زهد فرمود: «أَعْلَى دَرَجَةِ الزُّهْدِ أَدْنَى دَرَجَةِ الْوَرَعِ وَ أَعْلَى دَرَجَةِ الْوَرَعِ أَدْنَى دَرَجَةِ الْيَقِينِ وَ أَعْلَى دَرَجَةِ الْيَقِينِ أَدْنَى دَرَجَةِ الرِّضَا؛ بالاترین درجه زهد، پایین‌ترین درجه ورع است. و بالاترین درجه ورع، پایین‌ترین درجه یقین است. و بالاترین درجه یقین، پایین‌ترین درجه رضاست.» آن حضرت سپس درباره زهد در قرآن فرمود: «أَلَا وَ إِنَّ الزُّهْدَ فِي آيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَ لَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ» (حدید: ۲۳)؛ بدانید که زهد در قرآن در یک آیه بیان شده است که فرمود: بر آنچه از دست شما رفته است اندوهگین نشوید و به [سبب] آنچه به شما داده است شادمانی نکنید» (کلینی: ۱۳۶۵: ۱۲۸/۲). بنابراین، زهد با همه اهمیتش گام نخست از گامهای چهارگانه در رسیدن به رضای الهی است. اما زهد منفی که در شعر امام بدان اشارت شده است، در حقیقت زهد نیست، بلکه تظاهر به زهد است که خود نوعی ریاکاری است.

منظور از «قلندر» کسی است که خود را از هر دو جهان آزاد کرده است و در تجرید و تفرید به کمال رسیده و در تخریب عادات می‌کوشد (سجادی: ۱۳۶۶: ۱۵۱۳/۳؛ امام خمینی: ۱۳۸۵: ۳۳۹). اگر کسی شیوه قلندری را پیشه خود نمود، باید بر مسلک قلندران باشد، نه آنکه در سخن، ادعای قلندری و زاهدی نماید و در عمل، اقبال به دنیا داشته باشد. این دو با هم سازش ندارند؛ زیرا انسان هر چه بیشتر اقبال به دنیا داشته باشد، بار بستن از این دنیا بر وی سخت‌تر است. به فرموده امام صادق(ع) چنین کسی مانند کرم ابریشم است که هرچه بیشتر بتابد، بیرون رفتنش مشکل‌تر می‌شود: «مَثَلُ الْحَرِيصِ عَلَى الدُّنْيَا كَمَثَلِ دُوْدَةَ الْقَرْزِ كُلَّمَا ازْدَادَتْ عَلَى نَفْسِهَا لَفًا كَانَ أَبْعَدَ لَهَا مِنَ الْخُرُوجِ حَتَّى تَمُوتَ غَمًّا؛ مثل حریص بر دنیا مانند کرم ابریشم است که هر بیشتر بتند، بیشتر گرفتار می‌شود و خروج خود را دچار مشکل می‌کند تا جان می‌دهد» (کلینی: ۱۳۶۵: ۱۳۴/۲).



امام خمینی(ره) در یکی دیگر از ابیات غزل «دعوی اخلاص» (امام خمینی: ۱۳۸۵: ۹۴) به نصیحت مرشد راه می‌پردازد و وی را به ترک دعوت از خویش فرا می‌خواند و می‌گوید:

مرشد از دعوت به‌سوی خویشتن بردار دست

لالهت را شنیدستم ولسی الا چه شد

گرچه واژه «مرشد» در اصطلاح مظهر عقل است (سجادی ۱۳۶۶: ۱۷۶۳/۳)، اما مرشد در اینجا کسی است که مسئولیت هدایت مردم را بر دوش دارد و باید مردم را به سوی خدا بخواند، نه به سوی خویش. در واقع کسی که با گفتن «لا اله» در صدد نفی همه خدایان دروغین است، زمانی این حقیقت به اثبات می‌رسد که به توحید در «الاً الله» نیز اقرار کند و گرنه با گفتن «لاله» بدون «الا الله» به ورطه الحاد می‌افتد.

## ۵. ملاک ریا

براساس روایات امامان معصوم (ع)، عمل ریایی این است که غیرخدا در نیت عامل دخیل باشد، چنان‌که پیش‌تر در روایتی که از امام باقر (ع) نقل کردیم که فرمود: «لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَمِلَ عَمَلًا يَطْلُبُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ وَ الدَّارَ الآخِرَةَ وَ أَدْخَلَ فِيهِ رَضَى أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ كَانَ مُشْرِكًا؛ هرگاه بنده‌ای عملی را برای خدا و اجر اخروی انجام دهد و رضایت مردم را نیز در آن دخالت دهد، مشرک است». (حرعاملی ۱۴۰۹: ۷۰/۱). ملاحظه می‌شود که اگر رضایت مردم توأم با وجه‌الله و آخرت‌خواهی شود، عمل شرک‌آلود خواهد شد.

اگر به دقت به نیت و اعمال مترتبه بر آن نگریسته شود، هر عبادتی که غیرخدا به هر نوع در آن حضور داشته باشد مخلصانه نخواهد بود. لذا امام در بیت دوم از غزل «دعوی اخلاص»، به اخلاص واقعی اشارت می‌کند که در عرف عرفا تصفیة عمل از تمام شوائب است (سجادی ۱۳۶۶: ۱۰۸/۱). بر این اساس، عبادت هر چند به درستی انجام شود، اما چون برای جلب سود و یا دفع ضرر است نوعی کاسبی است. پس عبادت یا تاجرانه است که به ازای بهشت صورت گرفته و یا بردگانه که برای رهایی از دوزخ آورده شده است. چنان‌که امام امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ التُّجَّارِ وَ إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ». با این دو نوع عبادت نمی‌توان ادعای اخلاص واقعی نمود؛ چرا که در آن به نوعی خودخواهی از ناحیه سود و زیان شخصی و حب ذات و خودخواهی نهفته است. عبادت زاهد واقعی باید آزاد و از هر قید و بندی رها باشد؛ که فرمود: «وَ إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْاِخْرَارِ» (حرعاملی ۱۴۰۹: ۶۳/۱). چنان‌که در جای دیگر به صراحت، عبادت از سر ترس و طمع را نفی و اهلیت عبادت را مطرح نمود

و فرمود: «إِلَهِي مَا عَبْدْتُكَ خَوْفًا مِنْ عِقَابِكَ وَلَا طَمَعًا فِي ثَوَابِكَ وَلَكِنْ وَجَدْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ» (مجلسی ۱۴۰۴: ۱۴/۴۱). در دو نوع عبادت اول به گونه‌ای خودبینی وجود دارد؛ چرا که در عبادت تجاری سود عامل و در عبادت بردگی زیان عامل مد نظر است.

امام خمینی در جای دیگر با نقل حدیثی از امیر مؤمنان (ع) به نشانه ریا بودن عامل و عمل اشارت دارند. در این روایت می‌خوانیم که امام فرمود: «ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ لِلْمُرَائِي: يَتَشَبَّهُ إِذَا رَأَى النَّاسَ وَيَكْسَلُ إِذَا كَانَ وَخَذَهُ وَيَجِبُ أَنْ يُخْصَدَ فِي جَمِيعِ أُمُورِهِ؛ بَرَى رِيَاكَار سَه نَشَانَه اسْت: وَتَقْتِي مَرْدَم رَا بَبِينْد بَا نَشَاط اسْت؛ وَتَقْتِي تَنْهَا بَاشْد كَسَل اسْت؛ وَ دُوسْت دَارْد كَه دَر هَمَه كَارِهَاشِ او رَا بَسْتَايَنْد» (کلینی ۱۳۶۵: ۲۹۵/۲). امام خمینی (ره) در این زمینه می‌افزاید: با اینکه انجام مستحبات در خلوات مستحب است، چرا نفس مایل است در علن به جای آورد. گریه از خوف در مجامع عمومی روی نشاط و بهجت دارد، ولی در خلوات هرچه به خود فشار می‌دهد چشمش تر نمی‌شود! خوف خدا چه شد؟ آیا خوف از خدا در مجامع پیدا می‌شود؟ در شبهای قدر آه و ناله و سوز و گداز در بین چند هزار نفر جمعیت دارد. صد رکعت نماز و جوشن کبیر و صغیر و چند جزء قرآن را می‌خواند خم به ابرویش نمی‌آید، احساس خستگی نمی‌کند، ولی ده رکعت نماز در خلوت اگر داشته باشد کمرش خسته می‌شود، حالش وفا نمی‌کند» (امام خمینی ۱۳۷۶: ۵۶).

آری، اگر در روایت دیگری از امام باقر (ع) می‌خوانیم که در پاسخ زواره که گفت انسان دوست می‌دارد که دیگران از عمل خیرش آگاه شوند، فرمود: «لَا بَأْسَ مَا مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَهُوَ يُجِبُ أَنْ يَظْهَرَ لَهُ فِي النَّاسِ الْخَيْرُ إِذَا لَمْ يَكُنْ صَنَعَ ذَلِكَ لِذَلِكَ؛ اشْكَال نَدَارْد، زَبِرَا هَبِج كَس نَبَسْت مَگر اَيْنَكَه دُوسْت دَارْد كَار خَبْرَش بَرَى مَرْدَم آشكار شود، تا وقتی آن کار را برای دیدن مردم انجام نداده باشد» (کلینی ۱۳۶۵: ۲۹۷/۲). این سخن بیانگر مراتب ریاست که برخی از مراتب آن موجب بطلان و برخی موجب کسر ثواب است.

### ۶. گسسته ریاکاری

مجموعه آنچه انسان با آن روبه‌رو و دمساز است، در سه حوزه عقیده یا بینش، اخلاق یا گرایش، عمل یا کنش قرار می‌گیرد. خود کنش نیز در رفتار و گفتار



جلوه‌گر می‌شود. همان‌گونه که در تعریف ریا نیز گفته شد، امام (ره) ریا را در وانمود کردن اعمال حسنه، خصال پسندیده و عقاید حقه دانستند. بنابراین، قلمرو ریا می‌تواند همه شئون عقیدتی، اخلاقی، عملی، گفتاری و رفتاری انسان را در بر بگیرد. از سوی دیگر، کسی که به دنبال زیاکاری باشد، ممکن است از هر ابزاری برای رسیدن به مقصود خود استفاده نماید؛ به ویژه از اعمالی که در نظر مردم ملاک درستی و خوبی فرد باشد و نماد و نشانه‌ای از تقوا، زهد و عبادت به حساب آید. برخی از این نمادها عبارت‌اند از: در حوزه عقیدتی: تظاهر به توحید و به خصوص توحید افعالی، تمرکز بر جانبداری از حق بدون بیان ناحقها و باطلها، تظاهر به ولایت اهل بیت؛ در حوزه عبادات: تظاهر به تداوم بر طهارت، نمازگزاردن با کیفیت ویژه و در زمان و مکان خاص، حج به جا آوردن، تلاوت قرآن کردن؛ در حوزه اخلاقیات: وانمود کردن به توحید در استعانت، تظاهر به توحید در توکل، تواضع تصنعی، اظهار محبت‌های بی‌جا، تعریف و تمجید بیش از حد، نمایش زهد و بی‌رغبتی؛ در حوزه مالی: انفاق نمودن در منظر عام، پرداخت وجوهات در انتظار عمومی، کمک به امور عام‌المنفعه و خیریه و... در یک کلام، هر عمل صالحی در تیررس ریا قرار دارد؛ چنان‌که امام صادق (ع) در تفسیر «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» [کهف: ۱۱۰] فرمود: «هَذَا الشِّرْكَ رَبِّهِ» این شرک، شرک ریایی است». (مجلسی: ۲۹۷/۶۹). اطلاق «عملاً صالحاً» هر عملی را شامل می‌شود. امام در روایت دیگری فرمود: «الرَّجُلُ يَعْمَلُ شَيْئًا مِنَ الثَّوَابِ لَا يَطْلُبُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ إِنَّمَا يَطْلُبُ تَرْكِيَةَ النَّاسِ يَشْتَهِي أَنْ يُسْمِعَ بِهِ النَّاسَ فَهَذَا الَّذِي أَشْرَكَ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ؛ کسی عملی را نه به قصد تقرب الی الله، بلکه برای خودنمایی خود انجام می‌دهد و دوست دارد که آن را به گوش مردم برساند، این شرک در عبادت است» (کلینی: ۱۳۶۵: ۲۹۳/۲).

طبیعی است که اگر از عبادتها که باید نردبان تقرب الی الله باشد، به عنوان وسیله خودنمایی و اشتها و تظاهر سوء استفاده شود، بسی ناشایست خواهد بود. باید توجه داشت که در فرهنگ قرآن ریاکاری به عنوان مصداق تکذیب دین به حساب آمده است؛ چنان‌که می‌فرماید: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ (ماعون: ۶)؛ پس وای بر نمازگزارانی که از نمازشان غافل‌اند، آنان که ریا می‌کنند» (طباطبایی: ۱۴۱۷: ۳۶۷۲۰). خداوند در خصوص دادن صدقه می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْإَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانَ عَلَيْهِ ثَرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (بقره: ۲۶۴)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدقه‌های خود را با منت و آزار، باطل نکنید، مانند کسی که مالش را برای خودنمایی به مردم انفاق می‌کند و به خدا و روز بازپسین ایمان ندارد. پس مثل او همچون مثل سنگ خارا می‌باشد که بر روی آن، خاکی [نشسته] است، و رگباری به آن رسیده و آن [سنگ] را سخت و صاف بر جای نهاده است. آنان [ریاکاران] نیز از آنچه به دست آورده‌اند، بهره‌ای نمی‌برند و خداوند، گروه کافران را هدایت نمی‌کند.» ملاحظه می‌شود که در آیه نخست، نمازگزار ریاکار مورد نفرین واقع شده است و در آیه دوم ریاکاری در انفاق را قرین ایمان نداشتن به خدا و روز واپسین دانسته و در آن باره تشبیه سنگینی نموده است؛ چنان‌که در آیه دیگر ریاکار در امور مالی را قرین شیطان دانسته و فرموده است: «وَ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَنْ يَكُنْ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا (نساء: ۳۸)؛ و کسانی که اموالشان را برای نشان دادن به مردم انفاق می‌کنند، و به خدا و روز بازپسین ایمان ندارند. و هر کس شیطان یار او باشد، چه بد همدمی است.» در خصوص قرائت قرآن نیز می‌خوانیم که پیامبر (ص) فرمود: «... وَ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ يُرِيدُ بِهِ رِئَاءً وَ سَمْعَةً لِيَمَارَى بِهِ السُّفَهَاءَ وَ بِيَاهِي بِهِ الْعُلَمَاءَ وَ يَطْلُبُ بِهِ الدُّنْيَا بَدَّةَ اللَّهِ عِظَامَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَمْ يَكُنْ فِي النَّارِ أَشَدُّ عَذَابًا مِنْهُ وَ لَيْسَ نَوْعٌ مِنَ أَنْوَاعِ الْعَذَابِ إِلَّا سَعِدَ بِهِ مِنْ شِدَّةِ غَضَبِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ سَخَطِهِ؛ هر کس قرآن را به قصد ریا و سمعه فرا گیرد تا به وسیله آن با بی‌خردان جدال و با علما مباحث کند و آن را وسیله رسیدن به دنیا قرار دهد، خداوند در روز قیامت بنده را استخوانهایش را از هم جدا می‌کند و در آتش دوزخ به بدترین شکل معذبش می‌کند و خاطر شدت غضب خدا و خشم او به همه نوع عذاب تعدیش می‌کند» (حرعاملی ۱۴۰۹: ۱۰۹/۱۱). امام خمینی در غزلی با عنوان «جلوة جام» (امام خمینی ۱۳۸۵: ۱۰۰) به برخی از ابزارهای ریا اشارت می‌کند و می‌گوید:

آن یار گل‌سزار قدم زد به محفلم

تا کشف راز از دل این پارسا کند

با گیسوی گشاده سری زن به شیخ شهر

مگذار شیخ مجلس رندان ریا کند

منظور از «گیسو»، رشته‌ای است که در طریق طلب، سالک را به حق می‌رساند (سجادی: ۱۳۶۶: ۱۶۴۵/۳). مقصود از «شیخ» در کاربرد مدحی آن نیز پیر، مرشد، مراد و بزرگ طایفه است (دیوان امام: ۱۳۸۵: ۳۳۶). همچنین می‌گویند: مقصود از شیخ نزد عرفا انسان کامل است که در شریعت و طریقت و حقیقت کامل شده باشد و بتواند در مرید تصرف نماید و آینه دل او را صاف کند (سجادی: ۱۳۶۶: ۱۰۸۱/۲). بدیهی است اگر شیخ به منزله پیامبر در میان خاندانش باشد، چنان‌که براساس روایتی پیامبر (ص) فرمود: «الشَّيْخُ فِي أَهْلِهِ كَالنَّبِيِّ فِي أُمَّتِهِ؛ شیخ در میان قومش مانند پیامبر در میان امت خود است» (نوری: ۱۴۰۸: ۳۹۴/۸)، چنین شیخی دیگر نمی‌تواند ریاکار باشد و رندان مجلس یعنی آنانکه همه کثرات و تعینات ظاهری، امکانی، اعیان و صفات را از خود دور ساخته‌اند (سجادی: ۱۳۶۶: ۹۱۹/۲) فریب دهد. بنابراین، منظور از شیخ شهر و شیخ مجلس در اینجا کسی است که خود را به ظاهر آراسته و در صدد مردم‌فریبی است، که باید با هوشیاری تمام و به کمک یار از گزند وی در امان باشد. در حقیقت، محراب و منبر که شیخ شهر بر آن تکیه می‌زند، یکی از ابزارهای ریاکاری است. مؤید این سخن بیت دیگری است که امام خمینی در غزلی با عنوان «باده هوشیاری» (امام خمینی: ۱۳۸۵: ۱۲۲) می‌گوید:

بر گیر جام و جامه زهد و ریا در آر  
محراب را به شیخ ریاکار واگذار

امام در جای دیگر تصریح می‌کند که ممکن است انسان در تدریس و تحصیل علم دیانت (علوم دینی) که از مهمات اطاعات و عبادات است، دچار ریا شود. نیز امامت و اقامه جماعت، یا برپایی جماعت در مسجدی کوچک و دور افتاده، یا انتخاب صفوف نماز برای جماعت و نیز عادل ندانستن امام جماعت و روی‌آوری به نماز فرادا را از نمادهایی دانسته‌اند که شیطان ممکن است انسان را به ریاکاری بکشانند (امام خمینی: ۱۳۷۶: ۴۶ و ۵۲). نکته جالبی که حضرت امام بدان اشارت دارند این است که در این گونه موارد ممکن است حتی خود انسان متوجه ریا نباشد.

#### ۷. ابزار پیکار با ریا

اگر ریاکاری یک رذیله اخلاقی و بیمار دلی مهلک است، طبعاً برای درمان آن نیز باید اندیشه کرد و تمام ابزارها و وسایل لازم را در مداوای آن به کار گرفت. از این

بیت شعر روشن می‌شود که برای پیکار با ریا افزون بر عزم و اراده جدی، عمل نیز لازم است. مقصود از «جام» احوال و مجلای تجلیات الهیه و مظاهر انوار نامتناهی است (دیوان امام ۱۳۸۵: ۱۲۲). مراد از «محراب» نیز مطلوب و مقصودی است که خلق بدان رو می‌کنند (سجادی ۱۳۶۶: ۱۷۰۹/۳). امام در غزلی دیگر با عنوان «خُم می» (امام خمینی ۱۳۸۵: ۱۲۳) می‌گوید:

بر کنم خرقهٔ سالوس اگر لطف کنی      سر نهم بر قدمت، خرقه گذارم به کنار

پیش از این گفتیم: مراد از «خرقه» جامهٔ ضخیم، کهنه و چند تکه است که اهل فقر می‌پوشند (سجادی ۱۳۶۶: ۷۹۵/۲)، که خود می‌تواند نوعی وسیلهٔ ریاکاری باشد، چنان‌که برخی از لباسهای دیگر نیز ممکن است به عنوان ابزاری در دست ریاکاران قرار گیرد. مراد از سالوس نیز چرب‌زبان، متملق و فریبنده است (معین ۱۳۶۳: ۱۸۰۷/۲). در واقع آنکه سکان هدایت مردم را در دست دارد و باید مردم را از رذائل به دور کند، ممکن است به دلیل اقبال مردم به وی فریفته گردد و خود دچار رذیلهٔ ریا شود و سخنی بر زبان براند و عملی انجام دهد که ریاکارانه باشد، حتی اگر قرائت قرآن باشد. معصوم (ع) فرمود: «مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ يُرِيدُ بِهِ رِيَاءً وَ سُمْعَةً لِيُمَارِيَ بِهِ السُّفَهَاءَ وَ يَبَاهِيَ بِهِ الْعُلَمَاءَ...»

## ۸ آثار سوء ریا

عمل ریاکارانه ممکن است سه اثر سوء داشته باشد. اثر نخست آن رسوایی در همین نشئهٔ دنیوی است، یعنی ممکن است روزی باطن عمل ریایی آشکار شود و باعث رسوایی ریاکار نزد خلق گردد. در روایتی که از امام صادق (ع) نقل شده می‌خوانیم که در تفسیر آیه «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» (کهف: ۱۱۰)، فرمود: «مَا مِنْ عَبْدٍ أَسْرَأَ خَيْرًا فَذَهَبَتْ الْأَيَّامُ أَبَدًا حَتَّى يُظْهِرَ اللَّهُ لَهُ خَيْرًا وَ مَا مِنْ عَبْدٍ يُسِرُّ شَرًّا فَذَهَبَتْ الْأَيَّامُ أَبَدًا حَتَّى يُظْهِرَ اللَّهُ لَهُ شَرًّا؛ هیچ بنده‌ای عمل خیر را پنهان نمی‌کند، مگر اینکه روزگار آن را آشکار می‌کند. و هیچ بنده‌ای عمل شری را پنهان نمی‌کند، مگر اینکه روزگار آن را آشکار می‌کند» (کلینی ۱۳۶۵: ۲۹۳/۲). امام خمینی در کتاب *چهل حدیث* به این حقیقت اشارت نموده

است (امام خمینی ۱۳۷۶: ۳۸).

اثر دوم آن است که اگر عمل ریایی یک عمل عبادی باشد، باطل و بی‌اثر می‌شود و به عنوان عمل صالح در نامه عمل ثبت نخواهد شد. همه روایات قبلی گواه این حقیقت است. چنان‌که امام صادق(ع) فرمود: «إِنَّهُ مَنْ عَمِلَ لِلنَّاسِ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى النَّاسِ وَمَنْ عَمِلَ لِلَّهِ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى اللَّهِ». امام باقر(ع) نیز فرمود: «قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: مَنْ عَمِلَ لِي وَ لِيغَيْرِي فَهُوَ لِمَنْ عَمِلَ لَهُ» (حر عاملی ۱۴۰۹: ۶۷/۱). نبی مکرم(ص) هم فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَقْبَلُ عَمَلًا فِيهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ رِيَاءٍ» (نوری ۱۴۰۸: ۱/ ۱۱۱). در خصوص برخی از اعمال عبادی، امام باقر(ع) در روایتی که از پیامبر(ص) در تفسیر «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَ لَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» [کهف: ۱۱۰] نقل می‌کند می‌فرماید: «مَنْ صَلَّى مُرَاءَاةَ النَّاسِ فَهُوَ مُشْرِكٌ وَ مَنْ زَكَّى مُرَاءَاةَ النَّاسِ فَهُوَ مُشْرِكٌ وَ مَنْ صَامَ مُرَاءَاةَ النَّاسِ فَهُوَ مُشْرِكٌ وَ مَنْ حَجَّ مُرَاءَاةَ النَّاسِ فَهُوَ مُشْرِكٌ وَ مَنْ عَمِلَ عَمَلًا مِمَّا أَمَرَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مُرَاءَاةَ النَّاسِ فَهُوَ مُشْرِكٌ وَ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَمَلُ مُرَاءٍ» (مجلسی ۱۴۰۴: ۸۱/ ۳۴۸).

اثر سوم این است که انسان نمی‌تواند با عمل ریایی به مقامی از مقامات الهی برسد، زیرا عمل ریایی در دستبرد شیطان قرار گرفته، و بدیهی است که با عمل فروخته شده به شیطان و دلبستگی و وابستگی به غیر خدا، نمی‌توان به مقام قرب الهی رسید. امام در غزلی با عنوان «یار دلدار» (امام خمینی ۱۳۸۵: ۱۲۴) می‌گوید:

کورکورانه بمیخانه مرو ای هشیار  
تو که دلبسته تسبیحی و وابسته دیر  
خانه عشق بود جامه تزویر برآر  
ساغر باده از آن می‌کده امید مدار

مقصود از هشیاری استقامت سالک است و هوشیار کسی است که به مقام توحید رسیده باشد (سجادی ۱۳۶۶: ۲۱۷۹/۳). بدیهی است کسی که به این مقام رسیده باشد، دیگر نباید و نمی‌تواند خود و یا مردم را مد نظر داشته باشد و در آن عمل آنان را شریک خدا قرار دهد. کسی که باطنش مملو از عشق، شوق، عوارف و معارف الهیه باشد چگونه به خود اجازه می‌دهد که با جامه تزویر به خود فریبی و مردم فریبی دلخوش کند! زیرا پوشیدن به جامه تزویر با توحید و عشق به خدا ناسازگار است. از یک سو، سوء استفاده از چنین جامه‌ای نشان فقدان توحید است

و از سوی دیگر، مانع رسیدن به آن مقام عالی می‌شود. از این رو، امام(ره) در بیت بعدی به یکی از مهم‌ترین موانع یعنی دلبستگی به تسبیح و امثال آن و وابستگی به مکانی خاص حتی «دیر» که اقامتگاه زاهدان و عابدان است اشارت نموده است. این بدان معناست که ابزار تسبیح و حمد خدا و حتی تسبیح زبانی و گفتن سبحان الله، بلکه منزله دانستن خدا از هر عیب و نقصی در مقدس‌ترین مکانها، نباید موجب دلبستگی و وابستگی گردد و گرنه باعث توقف می‌شود. در روایات نیز می‌خوانیم که امام صادق(ع) فرمود «مَنْ تَعَلَّقَ قَلْبُهُ بِالْأَلْبَانِ تَعَلَّقَ قَلْبُهُ بِثَلَاثِ خِصَالٍ هُمْ لَا يَفْتَنُ وَ أَمَلٌ لَا يُدْرِكُ وَ رَجَاءٌ لَا يُنَالُ؛ کسی که قلبش به دنیا بسته شود، به سه خصلت دچار می‌شود: خواهشی که هرگز تمام شدنی نیست، و آرزویی که هرگز بدان نمی‌رسد، و امیدی که هرگز بدان دست نمی‌یابد» (کلینی ۱۳۶۵: ۳۲۰/۲). بی‌تردید دلبستگی و وابستگی به تسبیح و دیر نیز به نوعی تعلق به دنیاست. سالک با این دلبستگی و وابستگی نمی‌تواند امید داشته باشد که به «ساغر» دست یابد. ساغر در لغت پیاله شراب و در اصطلاح عرفانی دل عارف است که انوار غیبی در آن مشاهده می‌شود (سجادی ۱۳۶۶: ۹۷۵/۲). خیال ورود به «میکده» را که همان مقام مناجات به طریق محبت و مجلس انس دوستان است (سجادی ۱۳۶۶: ۱۹۷۳/۳)، باید از سر بیرون کرد.

## ۹. اثرات پیکار با ریا

پیش از پرداختن به آثار پیکار با ریا باید به این نکته توجه داشت که آیا زدودن ریا از عمل و نیت امکان‌پذیر است یا خیر. امام خمینی در غزلی با عنوان «جامه‌دران» (امام خمینی ۱۳۸۵: ۱۵۱) به صورت استفهام تقریری به امکان‌پذیر بودن این امر اشارت می‌کند و می‌گوید:

این خرقه ملوث و سجاده ریا  
 آیا شود که بر در میخانه بر درم  
 امام خمینی در غزلی دیگر با عنوان «می‌چاره ساز» (امام خمینی ۱۳۸۵: ۱۷۱) می‌گوید:

ساقی به روی من در میخانه باز کن  
 از درس و بحث و زهد و ریا بی‌نیاز کن  
 مقصود از «میخانه»، عالم لاهوت و نیز باطن عارف کامل است که در آن شوق و ذوق و عوارف الهی بسیار باشد (سجادی ۱۳۶۶: ۱۹۷۰/۳). این دو بیت شعر بیانگر

امکان ریازدایی است. شخص متخلق به اخلاق الهی با آگاهی از عواقب سوء ریا و توجه به جمال حضرت حق، دیگر مجالی برای ریاکاری و فروختن اعمال به شیطان باقی نمی‌گذارد. به طور کلی، انسانی که به درستی خداشناس باشد و به مراتب توحید رسیده باشد، نیازی به توسل به ریاکاری ندارد.

امام در خصوص اثرات مبارزه با ریا در جای دیگر (امام خمینی ۱۳۸۵: ۳۱۶) می‌گوید:

بهار آمد و سجاده رهن باده کنیم به رغم شیخ ریا این عمل اعاده کنیم

یکی از آثار مهم مبارزه با ریاکاری این است که اعمال عبادی ریایی انجام شده باید اعاده شود. احادیث اهل بیت به این مهم اشارت دارد. چنان‌که امام باقر(ع) در روایت پیش گفته در پاسخ زراره که گفت انسان دوست می‌دارد که دیگران از عمل خیرش آگاه شوند، فرمود: «لَا بَأْسَ مَا مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَهُوَ يُحِبُّ أَنْ يَطَّهَّرَ لَهُ فِي النَّاسِ الْخَيْرُ إِذَا لَمْ يَكُنْ صَنَعَ ذَلِكَ لِذَلِكَ؛ اشکال ندارد، زیرا هیچ کس نیست مگر اینکه دوست دارد کار خیرش برای مردم آشکار شود، تا وقتی آن کار را برای دیدن مردم انجام نداده باشد» (کلینی ۱۳۶۵: ۲/۲۹۷). این بدان معناست که اگر عملی به قصد سمعه و ریا انجام شود، ایراد خواهد داشت. از این رو، فقها به بطلان عمل و اعاده فتوا داده‌اند. (علامه حلی ۱۴۱۲: ۳۰۷۱؛ محقق حلی ۱۴۱۲: ۱/۶۲۱؛ انصاری ۱۴۱۵: ۲۷۹؛ نجفی بی‌تا: ۷۹/۲، ۱۵۶۷۹ و ۱۰۰/۱۲؛ همدانی بی‌تا: ۲۳۸/۲؛ طباطبایی یزدی بی‌تا: ۲۳۹/۱ و ۲۷۴). امام خمینی(ره) ضمن فتوای فقهی به بطلان عمل ریایی (امام خمینی بی‌تا: ۴۱)، در اشعار خود نیز (دیوان امام ۱۳۸۵: ۱۷۰) به این امر اشاره می‌کند و می‌گوید:

هجرت از خویش نموده سوی دلدار رویم      واله شمع رخس گشته و پروانه شویم

در ادامه همین پندهی، امام هجرت از خود و روانه شدن به سوی دلدار را مطرح می‌کند. مراد از «دلدار» معشوق است و کنایه از حضرت حق. و این برگرفته از حدیث نبوی است که فرمود: «الْمُهَاجِرُ مَنْ هَجَرَ السَّيِّئَاتِ؛ مهاجر [واقعی] کسی است که از بدیها هجرت کند» (صدوق ۱۴۱۳: ۳۱۸/۴). و کدام بدی بدتر از ریا، خودخواهی و خودبینی؟

امام خمینی در غزلی دیگر با عنوان «چشم‌بیمار» (امام خمینی ۱۳۸۵: ۱۴۲) می‌گوید:

جامه زهد و ریاکنندم و بر تن کردم      خرقه پیر خراباتی و هشیار شدم

معنای «زهد» در تعبیر مذموم آن روی آوری به ظاهر شریعت و بی‌خبری از باطن آن است (دیوان امام ۱۳۸۵: ۳۳۳) و در تعبیر ممدوح آن عبارت است از بی‌رغبت بودن به دنیا و آخرت (سجادی ۱۳۶۶: ۹۶۷/۲). آن گونه که گفته شد، رذیله تزویر و ریا مانع رسیدن انسان به مقام توحید است. باید از پوستین خودپرستی به در آمد و حتی باید از نعمت دنیوی و اخروی نیز چشم پوشید، همه صفات جسمانی را نابود کرد و متلبس به لباس مخصوص گردید تا به این هدف واصل شد. مراد از خرابات خراب و ویران شدن صفات بشریت و فانی شدن وجود جسمانی است (سجادی ۱۳۶۶: ۷۹۱/۲). مقصود از «پیر خرابات»، مرشد کامل است که مرید را به ترک رسوم و عبادات فرامی‌خواند و به راه فقر و فنا رهسپار می‌سازد. بنابراین، در نظر امام عارفان، نتیجه پیکار با ریا و تزویر، هشیاری و وصول به مقام توحید است.

### ۱۰. نیاز به راهنما

امام خمینی (ره) به این نکته اشاره می‌کند که در مسیر ریازدایی دست‌گیری یک مرشد کامل و یک عالم عامل لازم است و گرنه موفقیتی حاصل نمی‌شود. ایشان (امام خمینی ۱۳۸۵: ۶۷) می‌گوید:

دست من گیر و از این خرقة سالوس رهان

که در این خرقة بجز جایگه جاهل نیست

چنان‌که پیش از این گفته شد، سالوس به معنای چرب‌زبان، متملق و فریبنده است و در اینجا به معنای لباس مخصوصی است که برخی آن را بر تن می‌کنند و ساده‌لوحان را می‌فریبند. به هر صورت، برای رهایی از ورطه ریا، مرشد و راهنما لازم است؛ زیرا موفقیت در پیمودن هر طریقی مرهون رعایت رسم و شیوه خاص آن است که بدون راهنمایی ممکن نیست. جدا شدن از رذیله ریا نیز از این قاعده مستثنا نیست و گرنه ممکن است به نام زهد و نفی ریا، دچار سختی‌های بی‌مایه شود و یا در مسیر ریازدایی نیز گرفتار ریایی دیگر گردد، و به اصطلاح خالصانه ریا کند. برای اینکه سالک مخلص واقعی شود و به اخلاص حقیقی برسد، هم باید در مرحله علم به آگاهی لازم برسد و هم باید مرشدی داشته باشد که وی را راهنمایی نماید. بسا این کلام نبوی که در خصوص مجالست با علماست اشاره به این مطلب



داشته باشد که می‌فرماید: «لَا تَجْلِسُوا إِلَّا عِنْدَ كُلِّ عَالِمٍ يَدْعُوكُمْ مِنْ حَمْسٍ إِلَى حَمْسٍ مِنْ الشُّكِّ إِلَى الْيَقِينِ وَمِنْ الرِّبَاءِ إِلَى الْإِخْلَاصِ وَمِنْ الرَّغْبَةِ إِلَى الرَّهْبَةِ وَمِنْ الْكِبَرِ إِلَى التَّوَضُّعِ وَمِنْ الْغَيْشِ إِلَى النَّصِيحَةِ؛ با عالمی مجالست کن که تو را از پنج خصلت به پنج خصلت برسد: از شک به یقین، و از ریا به اخلاص، و از رغبت [دنیا خواهی] به رهبت [خدا ترسی]، و از تکبر به تواضع، و از بدخواهی به خیرخواهی» (مجلسی ۱۴۰۴: ۱۸۷۱). این توفیق نیز جز به عنایت حضرت حق میسر نخواهد بود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## کتابنامه

- ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۶ق.
- امام خمینی، سید روح الله، الخلل فی الصلاة، قم، بی تا.
- \_\_\_\_\_، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۶ش، بی جا.
- \_\_\_\_\_، دیوان امام، ج ۴۶، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵ش، بی جا.
- انصاری، مرتضی، کتاب الصلاة، تحقیق لجنة تحقیق، ج ۱، باقری، قم، ۱۴۱۵ق.
- حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۹ق.
- حلی، حسن بن یوسف، (علامه حلی)، مختلف الشیعه، ج ۱، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۲ق.
- حلی، یحیی بن سعید (محقق حلی) شرائع الاسلام، انتشارات استقلال، تهران، ۱۴۱۲ق.
- سجادی، سیدجعفر، فرهنگ معارف اسلامی، ج ۲، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، تهران، ۱۳۶۶ش.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۷ق.
- طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم، العروه الوثقی، مؤسسه الاعلمی، ج ۲، بیروت، بی تا.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۴، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش، تهران.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ق.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۳ش.
- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، تحقیق عباس قوچانی، دارالکتب الاسلامیه، بی جا، بی تا.
- نوری، حسین، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البيت قم، ۱۴۰۸ق.
- مهدانی، رضا، مصباح الفقاهه، مکتبه الصدر، بی تا، بی جا.